

تهدید سنت دیرینه آموزش استاد – شاگردی در پر تو اقتصاد ضعیف

هشدار برای آینده هنر اصفهان



کرد: در اتحادیه صنایع دستی می‌کوشیم آموزش‌ها را با همان الگوی استاد و شاگردی پیش ببریم و فضایی در اتحادیه فراهم شده که هنرجویان در کنار استاذان فعالیت می‌کنند و بصورت عملی آموزش می‌بینند.

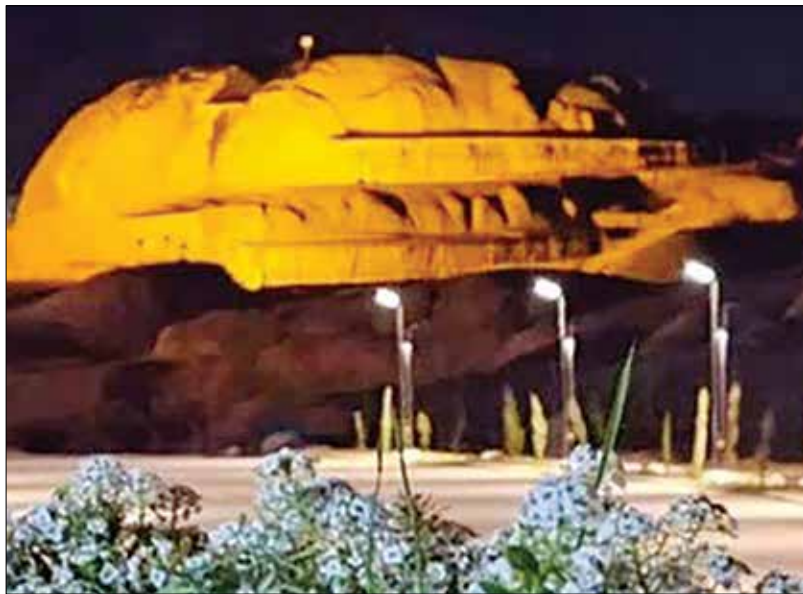
کُبت و مستندسازی دانش هنرمندان پیشکوتات ضروری‌است

او همچنین بر ضرورت مستندسازی دانش پیشکوتان تأکید کرد و گفت: برخی رشته‌های صنایع دستی در معرض فراموشی هستند و پیشنهاد دادیم که با همکاری شهرداری و متولیان فرهنگی از روند تولید آثار و همچنین صحبت‌ها و تجربیات استادان فیلمبرداری شود تا این دانش برای آیندگان حفظ شود و انجام چنین کاری تجهیزات و بودجه زیادی هم نیاز ندارد اما می‌تواند میراث ارزشمندی را ثبت کند. رئیس اتحادیه صنایع دستی اصفهان درباره علاقه نسل جوان به این حوزه گفت: نسل جدید طبیعی است که به فناوری و تکنولوژی علاقه بیشتری داشته باشد اما همچنان جوانان زیادی هستند که به هنر گرایش دارند و اگر آینده شغلی و اقتصادی این حوزه روشن باشد، به‌طور قطع افراد بیشتری به سمت صنایع دستی خواهند آمد. تاج افزود: بر اساس آمارها بیش از یکصد هزار هنرمند شناسنامه‌دار در حوزه صنایع دستی در استان اصفهان فعالیت‌دارند که بخشی از آنان از پیشکوتان این عرصه محسوب می‌شوند. او درباره حمایت‌هایی که می‌تواند انگیزه استادکاران برای تربیت شاگرد را افزایش دهد، گفت: حمایت‌های مالی، کمک به بازاریابی و فروش، نمایشگاه‌ها و ایجاد فرصت‌های عرضه محصولات از جمله اقداماتی است که می‌تواند به هنرمندان کمک کند و انگیزه جذب شاگردان جدید را بالا ببرد. این فعال صنایع دستی اصفهان، وضعیت کنونی صنایع دستی را «بیچ تاریخی» توصیف کرد و گفت: شرایط اقتصادی و اتفاقاتی که در سال گذشته رخ داد، آسیب‌های جدی به این حوزه وارد کرده‌است و با این حال هنرمندان وظیفه خود را به خوبی می‌دانند و همچنان به تولید آثار ارزشمند ادامه می‌دهند اما آنچه بیش از هر چیز لازم است حمایت مؤثر از آنان است. تاج افزود: در حال حاضر بزرگ‌ترین دغدغه ما حفظ شرایط موجود است و هنرمندان بسیاری سال‌ها در این حوزه فعالیت کرده‌اند و نباید اجازه دهیم به دلیل مشکلات اقتصادی از این عرصه خارج شوند و دولت باید تلاش کند شرایطی فراهم شود که این سرمایه انسانی حفظ شود. رئیس اتحادیه صنایع دستی اصفهان همچنین درباره وضعیت فروش صنایع دستی در سال جاری اظهار کرد: به طور معمول ۲ دوره اوج فروش یکی در اسفند و دیگری در فروردین ماه برای صنایع دستی وجود دارد اما امسال به دلیل اتفاقاتی و شرایط جنگی که رخ داد این دوره‌های مهم فروش تحت تأثیر قرار گرفت و هنرمندان نتوانستند گردش مالی مورد انتظار را تجربه کنند. تاج گفت: هنرمندان صنایع دستی اصفهان در این مدت حدود پنج هزار میلیارد تومان از گردش مالی احتمالی خود را از دست دادند که در حالی که سال گذشته به دلیل رونق گردشگری شرایط فروش بهتر بود با همه این چالش‌ها او خطاب به جوانانی که در انتخاب مسیر آینده خود تردید دارند، گفت: هنر منبع آرامش روح و روان است. انسان ممکن است در زندگی با چالش‌های فراوانی روبرو شود اما هنر می‌تواند به او آرامش بدهد، حتی در دنیا رشت‌هایی با عنوان هنر درمانی شکل گرفته که بر همین تأثیر تأکید دارد و اگر دغدغه فرهنگی داریم باید صنایع دستی را حفظ کنیم و برای آینده آن برنامه داشته باشیم.

ک حمایت‌ها ناکارآمد و شناخت مدیران از هنر ناچیزاست

یکی از هنرمندان پیشکسوت هنر نگارگری و شاگرد استاد محمود

برگزاری سومین دوره جشنواره ملی نقالی و روایتگری سیلک



فرستی برای پیوند دوباره مردم با حماسه‌های اصیل ایرانی است و با نگاهی به حضور مقتدرانه مردم کاشان در میدان طی روزهای اخیر، تلاش می‌کند تا در کنار برنامه‌های رسمی، در اجتماعات شبانه نیز با بازخوانی حماسه‌های اصیل، گامی مؤثر

در جهت پاسداشت اینترا، شهادت و حفظ ارزش‌های جمهوری اسلامی بردارد. او برگزاری این رویداد ملی را گامی در راستای صیانت از هویت فرهنگی کشور دانست و ضمن ابراز خرسندی از استقبال هنرمندان افزود: از میان ۱۲۰ اثر ارسال شده از سراسر ایران، ۳۰ اثر از شهرهای گیلان، شیراز، محلات، زابل، اصفهان، یزد، مازان، خراسان رضوی، قم، همدان، ساری، سیرجان، کرج، خمین و کاشان به این جشنواره راه یافته است. والی زاده با اشاره به بخش‌های مختلف جشنواره افزود: با طراحی بخش‌های متنوع از جمله بخش زمین‌یاد مرشد ولی‌الله فردوسی، در فرهنگسرای خانواده ادامه خواهد داشت. رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کاشان با تأکید بر اهمیت این رویداد و نقش کاشان در حفظ میراث روایی ایران، گفت: این جشنواره به دبیری مردم مسعود نوری‌فرد،

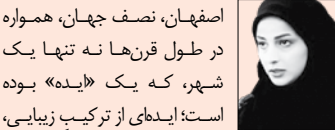
به مناسبت سالروز تولد آلفونس دوده

آلفونس دوده در چهارباغ

وقتی آخرین درس به لهجه اصفهانی ترجمه می‌شود



معنا و صمیمیت را خلق کنند. از منظر علمی، زبان‌شناسان معتقدند لهجه‌ها فسیل‌های زنده فرهنگی هستند. وقتی یک جوان اصفهانی با ظرافت‌های لهجه خود صحبت می‌کند، در واقع دارد یک سنت هزارساله فلسفی و هنری را در لحظه بازتولید می‌کند. گوشزد دوده به ما، در روزگار جهانی‌سازی که همه شهرها را شبیه به هم می‌خواهد، این است: قدر این شخص را بدانید. اگر دوده امروز در اصفهان بود، احتمالاً به ما می‌گفت که گاهی برای جهانی شدن، باید به لوکس فرهنگی است که نباید آن را پشت نقاب زبان استاندارد و بی‌روح اتوکشیده پنهان کرد. دوده به ما آموخت که وفاداری به آواهای بومی، نه عقب‌گرد به گذشته، که نوعی مقاومت ظرف در برابر هجوم یک‌سازن‌سازی مدرن است. امروز که جهان می‌خواهد از ما کی‌هایی بی‌رنگ‌بوی بسازد، لهجه اصفهانی با آن غنای موسیقایی‌اش، امضای شخصی ما به پای کارنامه تمدن است. حفظ این غنا، نیازمند موزه‌ای کردن آن نیست؛ بلکه باید اجازه داد این لهجه در روایت‌های عاشقانه، در جستارهای علمی و در متن زندگی دیجیتال امروز نیز جاری باشد. ما مدیون آلفونس دودهما هستیم تا به یاد آوریم که گاهی برای جهانی شدن، باید به اصفهان، با لایه‌های محاصره شده در خودمان بازگردیم. اصفهان، با تمام ایهت فیروزه‌ای‌اش، در حنجره تک‌تک ما زنده است و این همان میراثی است که نباید بگذاریم در سکوت سنگین واژه‌های غریبه، غبار بگیرد. تجلیل از دوده، تجلیل از تمام آن چیزی است که ما را ما می‌کند. بیایید نگاه دوده را به خانه‌های بیابوریم و یادمان بماند که هویت ما، در همان کلماتی است که با لحن‌ها‌دا می‌کنیم. اصفهانی بودن، یعنی داشتن همان کلیدی که دوده از آن حرف می‌زد: کلیدی که در صدوقچه میراث ما را همیشه رو به آینده باز نگه می‌دارد.



اصفهان، نصف جهان، همواره در طول قرن‌ها نه تنها یک شهر، که یک «ایده» بوده است: ایده‌ای از ترکیب زیبایی، هنر و نبوغ ایرانی، اما در جهان پرشتاب امروز، بازسازی تصویر گردشگری اصفهان برای مساجنگ (یا در معنای وسیع‌تر، دوران گذار از محدودیت‌ها به سوی تعاملات جهانی)، نیازمند چیزی فرات از تکیه بر حافظه‌ی تاریخی است. اصفهان امروز برای آنکه بتواند در نظام گردشگری بین‌المللی جایگاه شایسته خود را بازپس بگیرد، باید از یک «مقصد صرفاً دینی» به یک «تجربه‌ی رسیتمی متمایز» تغییر هویت دهد. سال‌های اخیر، به ویژه با نگاه به تلاش‌های مدیریتی جدید در اصفهان برای گره زدن میراث‌فرهنگی به اقتصاد گردشگری، نشانه‌هایی از این تغییر جهت دیده می‌شود.

اما واقعیت این است که تصویر ذهنی گردشگر بین‌المللی از اصفهان، نیازمند یک «سوزای روایی» است. تا پیش از این، رویکرد غالب ما تکیه بر «سوزه بودن» شهر بود: تکیه‌ای که اگرچه ستون فقرات گردشگری اصفهان است، اما کافی نیست. برای دوران بساجنگ، ما به گذار از «گردشگری تماشاء» به «گردشگری معناگر» نیاز داریم. یکی از کلیدی‌ترین محورها در بازسازی این تصویر، احیای پروژه‌هایی نظیر «سوزه منطقی‌های اصفهان» است. چنین مراکزى نه تنها محل نمایش آثار، بلکه کانون‌های دیپلماسی فرهنگی هستند. وقتی استاندار اصفهان از لزوم تأمین منابع مالی برای پروژه‌های میراثی و تقویت حمایت‌های بودجه‌ای سخن می‌گوید، در واقع به این حقیقت اشاره دارد که میراث‌فرهنگی در دنیای مدرن، یک «سرمایه جاری» است، نه یک دارایی راکد. گردشگری بساجنگ، گردشگری کلاسیک داستان‌هاست. گردشگر امروز می‌خواهد بداند پشت هر کاشی مسجد شیخ‌لطف‌الله چه فلسفه‌ای نهفته است. او به دنبال درک پیوند میان زاینده‌مرد تشنه و معماری تشنه سازگاری با طبیعت است. برای بازسازی تصویر اصفهان، باید «اصفهان خلاق» را برجسته کرد. اصفهان صنایع‌دستی، شهر جهانی صنایع‌دستی یونسکو است: این یک برند قدرتمند است که هنوز به اندازه کافی از آن برای جذب گردشگر تخصصی بهره‌برداری نشده است. تصویر جدید اصفهان باید پیوند میان «صالت تاریخی» و «ناواری مدرن» باشد. گردشگر باید بلد اصفهان، شهر هنرهای اصیل و در عین حال، شهری است که در حوزه‌های گردشگری رویدادمحور و حرفه‌ای تازہ برای گفتن دارد. اما بازسازی این تصویر با چالش‌هایی جدی نیز روبروست. زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل هوایی گرفته تا هتلینگ، باید با استانداردهای «گردشگر نسل جدید» همخوان شوند. این گردشگر بساجنگ، بیش از آنکه به هتل‌های کلاسیک اهمیت دهد، به «تجربه‌های معتبر» اهمیت می‌دهد. تجربه‌هایی که در کوچه‌بیس‌کوچه‌های جلّفا، در کارگاه‌های مسگری بازار بزرگ و در کافه‌های هنری شهر نهفته است. نقش دولت و مدیریت شهری در این میان، نه تصدی‌گری، که تسهیل‌گری است. حمایت‌های بودجه‌ای که اخیراً در دیدارهای مسئولان استانی با مقامات ملی بگیری شد، باید به سمت برندینگ جهانی اصفهان هدایت شود. اصفهان برای بازسازی عاقلانه کار از فقی پیش‌رو، باید بتواند روایت «صلح و گفتگو» را به جهان مخاطره کند. اصفهان، شهر دیپلماسی است؛ شهری که در طول تاریخ، محل همزیستی ادیان و فرهنگ‌ها بوده است. در جهانی

که بیش از هر زمان دیگری به مفاهیمی چون «گفتگوی تمدن‌ها» نیاز دارد، اصفهان می‌تواند به عنوان نمادی از این صلح جهانی بازمعرفی شود. در نهایت، بازسازی تصویر گردشگری اصفهان یک پروژه دولتی نیست؛ یک «جنبش اجتماعی» است. هر اصفهانی، سفیر این تصویر است. اگر ما بتوانیم شکوه تاریخ را با درایت مدیریت مدرن و مهربانی میزبانی ایرانی در هم بیامیزیم، اصفهان بار دیگر نه تنها به عنوان یک شهر، که به عنوان یک قطب گردشگری هوشمند پایدار و روایتگر زیبایی، در خاطره‌ی جهانی گردشگران حک خواهد شد. زمان آن رسیده است که اصفهان را نه به عنوان «آنچه بوده»، بلکه به عنوان «آنچه می‌تواند برای جهان آینده باشد»، معرفی کنیم. این، یعنی بازسازی تصویر: یعنی نگاه به فردا، با تکیه بر ریشه‌هایی که هرگز خشک نمی‌شوند.

موزه منطقه‌ای اصفهان و تأمین بودجه پروژه‌های میراثی روی میز گفت‌وگو



حمایت‌های بودجه‌ای برای اجرای پروژه‌های میراثی و گردشگری استان اصفهان مورد بحث و تبادل نظر

اصفهنه‌آمروز

دنیای آلفونس دوده، دنیای آدم‌های معمولی است که در لحظات بزرگ تاریخی گیر افتاده‌اند. او قلمش را نه در مرکب خشک کتابخانه‌ها، که در خون گرم زندگی جاری در جنوب فرانسه، پروانس، می‌زد. دوده بیش از آنکه یک نویسنده ناتوا‌الیست باشد، یک نقاش هویت بود. او با کلمات، عطر مزارع اسطوخودوس و آفتاب تند جنوب را چنان ترسیم می‌کرد که خواننده حس می‌کرد نبض یک سرزمین را زیر پوست کاغذ لمس می‌کند. شاکهار بی‌مرز او، آخرین درس، روایتی است که از مرزهای فرانسه فراتر رفته و به هر جای دنیا که هویت در آن معنا دارد، سرک کشیده است. داستان معلمی که در آخرین دقایق تدریس زبان مادری، روی تخته‌سیاه از زبان به عنوان کلید زنان یاد می‌کند. اما سبک دوده، صرفاً یک مرثیه‌سرایی برای از دست رفته‌ها نیست؛ او در نوشته‌هایش به ما یاد می‌دهد که چطور بومی بودن می‌تواند جهانی‌ترین فرم هنر باشد. دوده با لهجه جنوبی‌اش می‌نوشت تا به پاریس ثابت کند که حقیقت زندگی در ظرفت‌های محلی نهفته است، نه در کلیشه‌های مرکزنیسان. اینجاست که رد پای دوده به کوچگاهی اصفهان می‌رسد. ما در اصفهان، خوشبختانه در وضعیت اضطراری آخرین درس نیستیم؛ لهجه ما هنوز در بازار مسگرها، در صف بریانی و در گپ‌وگفت‌های شبانه حاشیه زاینده‌مرد با قدرت تمام نفس می‌کشد. اما آنچه دوده به ما گوشزد می‌کند، قدرشناسی آگاهانه است. او به ما می‌گوید که لهجه، صرفاً یک ابزار برای رساندن منظور نیست، بلکه یک میراث زیباشناختی است. لهجه اصفهانی با آن نظام دقیق ایجاز و زندی نهفته در کلماتش، شباهت عجیبی به سبک نوشتار خود دوده دارد؛ هر دو به دنبال آن هستند که با کمترین کلمات، بیشترین